

تاریخ و فرهنگ طارم

جلد اول

مجموعہ ۳۶ داستان علمیہ

اصغر بھرمی و زیدی

ایچہ

سرشناسه	: سرشناسه: بهرامی، اصغر، ۱۳۶۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: تاریخ و فرهنگ طارم (همراه با سی و شش داستان عامیانه) / نویسنده اصغر بهرامی.
مشخصات نشر	: تهران: ایده پردازان چکاد، ۱۳۹۸ -
مشخصات ظاهری	: ۲۷۶ ص
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۵۸-۵۵-۴
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: افسانه‌ها و قصه‌های ایرانی -- طارم
موضوع	: Legends -- Iran -- Tarom
موضوع	: ادبیات عامه ایرانی -- طارم
موضوع	: Folk literature, Iranian -- Tarom
موضوع	: طارم -- تاریخ
موضوع	: Tarom (Iran) -- History
موضوع	: ریم - آداب و رسوم و زندگی اجتماعی
موضوع	: Tarom (Iran) -- Social life and customs
شناسه افزوده	: ۱. بن، فاطمه، ۱۳۶۸ -
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۸ ۹۵۳ ۲/۵۳۷
رده‌بندی دیویی	: ۲ ۹۵۵۳ ۴۲/۳۹۸
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۵۶۴۱۰۵۵

لیله

تاریخ و فرهنگ طارم

(همراه با سی و شش داستان عامیانه)

نویسنده: اصغر بهرامی هزاررودی

ویراستار: فاطمه گلچین

طراح جلد: مؤسسه طارم چاپ ۰۲۴۳۲۸۲۴۵۹۵

نوبت چاپ: نخست ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۷۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۵۸-۵۵-۴

آدرس نشر: خیابان بزرگمهر، پلاک ۱۶، واحد ۶۰۶

دفتر پخش: میدان بریانک، شهر کتاب هفت چنار

تلفن: ۵۵۷۰۴۹۷۸ - ۶۶۴۵۲۰۹۲

فهرست

۱۱	پیش‌گفتار.....
۱۹	فصل اول: زبان، تاریخ و جغرافیا.....
۱۹	نگاهی به منطقه طارم.....
۲۱	وجه تسمیه طارم.....
۲۱	طارم در فرهنگ‌های ترکی.....
۲۲	نقد و بررسی نظریه ترک بودن نام طارم.....
۲۴	طارم در فرهنگ‌های فارس.....
۲۵	تلفظ نام طارم.....
۲۶	تحلیل احمد کسروی.....
۲۷	واژه طارم متعلق به خانواده زبان‌های ایرانی.....
۳۱	نگاهی به جغرافیای تاریخی طارم.....
۴۰	نگاهی به پیشینه و تاریخ طارم.....
۴۲	طارم و دیلمیان.....
۴۵	دژ سمیران تخت‌گاه کنگریان.....
۵۰	حکومت کنگریان (آل مسافر).....
۵۱	آغاز و پایان کنگریان (۳۰۷ تا ۴۵۴ ه. ق).....
۵۳	حکومت وهسودان و مرزبان.....
۵۷	چگونگی رهایی مرزبان از دژ سمیرم.....
۶۲	حکومت سالار ابراهیم.....
۶۵	حکومت جستان.....
۶۸	طارم در دوران اسماعیلیان.....
۷۰	دژ سمیران (شمیران).....
۷۲	قلعه تاج.....
۷۲	قلعه تشویر.....
۷۳	قلعه قلات (قلعه سانسیر).....

۷۴.....	قلعه ضحاک (قلعه پش)
۷۶.....	طارم در زمان ایلخانان
۷۷.....	طارم در زمان کیانیان و امپراتوری تیموری و امرای آق‌قویونلو
۸۲.....	طارم در زمان صفویان
۸۶.....	دوران فترت
۸۷.....	طارم در زمان قاجاریه
۹۱.....	خاطرات عین‌السلطنه در طارم
۹۷.....	فصل دوم: نقشه به فرهنگ عامیانه‌ی طارم
۹۷.....	فرهنگ عامه (فولکلور)
۹۹.....	ادب عامه
۱۰۱.....	داستان‌های عامه
۱۰۳.....	برخی از ویژگی‌های داستان‌های عامه
۱۰۶.....	چند نمونه از شعرها و آوازهای عامیانه طارم
۱۱۱.....	چند نمونه از ضرب‌المثل‌های طارم
۱۱۲.....	چند نمونه ضرب‌المثل تاتی
۱۱۳.....	چند نمونه از چیستان‌های طارم
۱۱۴.....	جستاری در داستان‌های عامیانه طارم
۱۲۷.....	داستان‌های اسطوره‌ای
۱۲۸.....	۱. دریای طارم
۱۳۱.....	۲. اسب گمشده
۱۳۳.....	داستان‌های جادویی و پریان
۱۳۴.....	۳. جنجرق
۱۳۷.....	۴. دختری که پادشاه شد
۱۴۵.....	۵. جادوگر
۱۵۶.....	۶. مسکین‌شاه یمنی
۱۶۳.....	۷. ملک محمد
۱۷۱.....	۸. فندقک (فندق بالا)
۱۷۴.....	۹. ازدواج با دختر پادشاه
۱۷۷.....	۱۰. پهلوان سلیم
۱۸۴.....	۱۱. شاهزاده محمود و شهر پریا

۱۹۱	داستان‌های اخلاقی و تربیتی
۱۹۲	۱۲. کَلْبی
۲۰۳	۱۳. پدر و سه دختر
۲۰۵	۱۴. شاه‌عباس و دختر یهودی
۲۱۱	۱۵. چوپان عابد
۲۱۴	۱۶. پادشاه مغرور
۲۱۷	۱۷. تنبل حسن
۲۲۱	۱۸. یتیم ابراهیم
۲۲۴	۱۹. پلی بر روی قزل‌اوزن
۲۲۶	۲۰. سکوت
۲۲۸	۲۱. شتر معتز
۲۳۰	۲۲. کارخانه نساجی
۲۳۲	۲۳. ملاقات خدا
۲۳۴	۲۴. هیزم‌فروشی که عاشق دختر پادشاه شد
۲۳۶	۲۵. شاه‌عباس و دختر خردمند
۲۴۱	داستان‌های فکاهی
۲۴۲	۲۶. حیلۀ زن
۲۴۷	۲۷. بندر قلی
۲۵۰	۲۸. پهلوان نظر
۲۵۳	۲۹. بُز باهوش
۲۵۶	۳۰. معمای آسیاب
۲۶۱	خرده‌روایت‌ها
۲۶۲	۳۱. جوینده طلا در غار خرمنه‌سر
۲۶۳	۳۲. چوپان داشی
۲۶۴	۳۳. شوخالی بگ
۲۶۶	۳۴. داستان ماتی بولاغی (چشمۀ ماتی)
۲۶۷	۳۵. گنجعلی
۲۶۹	۳۶. سواره و پیاده
۲۷۱	منابع

پیش‌گفتار

در انتهای باغ ما، درختان کمی سال‌ریزون وجود دارند. مادر بزرگ می‌گفت «کودکی ما زیر سایه‌ی این همسایگان قدیمی سپری شد. آن زمان نیز به همین شکل کنونی بودند. ما جز نیکی از آنان یاد نداریم». پیداست عموی، راز دارند. یکی از آنان در گوشه‌ای از باغ با استقامتی عجیب ایستاده است. من او را پیرم، باوقار می‌خوانم؛ چراکه هیچ‌گاه ردای سبزش را از تن به در نمی‌کند. هر سال شایسته‌اش را به پرنده‌گان مهاجر اجاره می‌دهد و در قبال آن بهایی نمی‌ستاند. همه‌ساله بر سر عهد خویش استوار است و تمام دارایی‌اش را کریمانه می‌بخشد، حتی به قیمت پریشانی گسارتن.

چه خوب که آغاز این نوشتار به زیتون اختصاص داده شد. هر جا که نامی از طارم به میان آید شایسته است که از این گوهر همیشه‌سبز، یاد کرد و همچنین قزل‌اوزن. رودی که از کوه‌های اساطیر سرچشمه می‌گیرد و با خود تاریخی از شکوه و شگفتی را به ارمغان می‌آورد. طارم آبادانی و زیبایی‌اش را مدیون قزل‌اوزن است او که چنان دایه‌ای مهربان، طارم را بسان جوانی زیبا پرورانده است. طارم نیز قدر این مادر مهربان را می‌داند به‌طوری‌که چشمه‌ها و رودهای فراوانی در این منطقه، قزل‌اوزن را قوت می‌دهند و او را در راه رسیدن به دریا یاری می‌رسانند. زیبایی‌های



خدادادی این بهنه‌ی منحصر به فرد، بسیار است و هرگاه موضوع نوشتن از طارم پیش می‌آید قلم به رقص می‌آید و دفترها نیاز است تا حق مطلب ادا شود، اما دریغ که تاکنون این مهم، جامه‌ی عمل نپوشیده است.

همواره وقتی قفسه‌های کتابخانه‌ی مرکزی شهرستان را جست‌وجو می‌کردم از اینکه هیچ کتاب اختصاصی درمورد تاریخ و فرهنگ طارم به چشم نمی‌خورد، رنج می‌بردم و آرزو می‌کردم قدمی هرچند کوچک در این مسیر بردارم. با ورود به مقطع کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی، زمینه را برای انجام چنین کاری مساعد دیدم؛ از این رو، هرجا در آثار بزرگ ادبیات این مرزوبوم، نامی از طارم می‌دیدم، چنان کسی که نسخه‌ی گنجی یافته باشد، در برگه‌ای یادداشت می‌کردم. اولین کارم در این زمینه با عنوان «طارم در تاریخ بیهقی» در فصلنامه‌ی فرهنگ زنجان به چاپ رسید. اکنون با مجموعه‌ی آن مقاله، متوجه ایرادات و نقایص فراوانی در آن می‌شوم ولی خدا را سپاس می‌گویم که توفیق داد تا با قدمی هرچند کوچک، لذت بردن از پژوهش را تجربه کنم و مفهومی از کارهای دیگر باشد.

دوره‌ی کارشناسی ارشد را با پایان‌نامه‌ای به عنوان «نقد و بررسی اسطوره‌ها و افسانه‌های طارم» به پایان بردم و این خود آغازی بود برای بررسی و تحلیل بیشتر درمورد اسطوره‌ها و رابطه‌ی این روایت‌های کهن با سبک مردم. با مطالعه درمورد اسطوره‌ها و افسانه‌ها، دروازه‌ی دنیای جدیدی به رویم گشوده شد. جهان‌بینی اسطوره‌ای را خیلی دوست داشتم؛ از این رو در حد توان درمورد مکاتب اسطوره‌شناسی مطالعه کردم. در میان دیدگاه‌های مختلف در باب اسطوره، نوع نگاه «میرچا الیاده» را بیشتر می‌پسندیدم. او که هیچ‌گاه انسان‌های باستانی را با برجسب انسان اولیه تحقیر نمی‌کرد، بلکه از آنان با عنوان مرد باستانی یاد کرده و جهان امروز را به علت تهی شدن از برخی ارزش‌های اسطوره‌ای فاقد روح و معنا می‌دانست. همچنین نظرات و آرای «کارل گوستاو یونگ» در باب اسطوره و داستان‌های عامه و رابطه‌ی آن‌ها با رؤیا و هنر، برایم بسی قابل توجه و تمرکز بود. سخن در این باب

بسیار است. امیدوارم در فرصتی دیگر بتوانم در دنیای پررمزوراز اسطوره‌ها قدم و قلم بزنم. اکنون توضیحی مختصر درمورد کتاب پیش رو ارائه می‌دهم.

منطقه طارم همان قدر که از الطاف خداوندی بهره‌مند گردیده و طبیعتی منحصر به فرد را داراست، از توجه انسانی بی‌نصیب مانده است؛ همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، درمورد تاریخ طارم تاکنون کتابی تألیف نشده است. تنها مقاله‌ای از پرفسور مینورسکی توسط رامین سلطانی ترجمه و در کتاب تاریخ زنجان به چاپ رسیده است؛ بنابراین برای بررسی فرهنگ طارم، نیاز بود تا درمورد تاریخ و پیشینه و زبان مردم این منطقه اطلاعات بیشتری در دست باشد. بنده به هیچ وجه ادعا ندارم که تاریخ طارم را به‌طور کامل گردآوری نموده‌ام؛ چراکه خود را در مقام مورخ و تحلیل‌گر تاریخی نمی‌بینم. با این حال، در اینجا بیشتر منابع تاریخی که در آن‌ها نام و نشانی از طارم وجود داشته، بررسی شده است. نکته دیگر اینکه برای من ارزش نوشتن از چوپان بی‌نام و نشانی که، مأمور گله‌داری و گله‌های کوهستان را چنان خویشان نزدیک خویش می‌داند، کمتر از ثبت اسرار آن پادشاه کنگری نیست که برای تداوم قدرت خویش، برادرزاده‌هایش را با سیاست به طارم می‌کشاند و آنان را از دم تیغ می‌گذراند؛ بنابراین پایان فصل دوم این کتاب، پایان تاریخ طارم نیست اگر در نظر ما تاریخ گسترده‌تر از ثبت وقایع پادشاهان و سیاستمداران باشد. به عبارتی در بخش دوم این کتاب نیز که داستان‌های عامیانه و روایت‌های شفاهی را، خود اختصاص داده است، ساحتی از تاریخ مردم این منطقه را می‌توان مشاهده کرد.

یکی از اساسی‌ترین مراحل مطالعات فرهنگ‌عامه، جمع‌آوری اطلاعات اولیه است. درمورد داستان‌ها و افسانه‌های طارم، تاکنون کتابی چاپ نشده و آثار مکتوبی در این باب وجود ندارد؛ بنابراین در جریان انجام این پژوهش که سه سال به طول انجامید، به بیشتر روستاهای بزرگ طارم سر زدم و هر آنچه را که درخور جمع‌آوری بود، ثبت و ضبط کردم. مشکلات و مسائلی در این راه پیش می‌آمد؛ چراکه چنین تحقیقی در میان مردم جاافتاده نبود و همچنین پیدا کردن راویان آگاه به قصه‌های

عامیانه دشوار بوده و بیشتر اوقات، اطلاعاتی که به دست می‌آمد، فاقد ارزش تحقیقی بودند. با توجه به موضوع پژوهش، طرف گفتگوهایم بیشتر کهن‌سالان بودند و گاهی در مقابل درخواستم، قصه «حسین کرد» یا روایت‌هایی از «علی درآمی» را تعریف می‌کردند و ادب اقتضا می‌کرد که مشتاقانه پای صحبت‌هایشان بنشینم؛ بنابراین ساعاتی این‌چنین می‌گذشت و گاهی نیز با این شعر عامیانه جواب خواسته‌ام داده می‌شد:

نَغیلِ نَغیلِ ایچینه،

نَغیلِ مَکانِ ایچینه،

دَوَه دَلْکَلِیقِ ائیلر،

کُوهنه حَمامِ ایچینه.

این شعر عامیانه را رامس، زبانی که حال و حوصله قصه‌گویی نداشته باشد، می‌خواند. با این حال ارتباط با مردم از طریق تحقیقات میدانی بهترین روش برای درک و دریافت حال و هوای این روایت‌های شفاهی است.

حاصل رفت‌وآمدها و جست‌وجوگری در فرهنگ مردم طارم و همچنین متن فراخوانی که در فضای مجازی بازگذاری شد، ۳۸ داستان و روایتی بود که اکنون پیش روی شماست. همان‌طور که در فصل سوم به‌تفصیل بیان شده جمع‌آوری همه قصه‌های عامیانه، کاری دشوار است و سالیان دراز کوششی مستمر می‌طلبد؛ بنابراین آنچه در این مجموعه گردآوری شده است، بی‌گمان همه داستان‌های طارم نیست. امیدوارم بتوانیم در جلدهای بعدی بر این تعداد بیفزاییم.

در اینجا بیان دو نکته ضروری است؛ نخست اینکه در پیش‌گفتار کتاب که مقدمه‌ای برای ورود به مباحث اصلی است، از زبان ادبی بهره برده‌ام، اما در بخش اول کتاب که بیان تاریخ و کلیاتی در باب فرهنگ عامه است، به شیوه نثر علمی وفادار بوده‌ام و در بخش دوم که داستان‌های عامیانه را دربرمی‌گیرد زبان، متکی به نثر روایی از تبار نثر مرسل است. نکته دیگر اینکه همه داستان‌های این مجموعه به

زبان ترکی روایت شده است و در بازگردانی فارسی آن‌ها سعی بر آن بوده که به محتوا و توالی حوادث داستان‌ها آسیبی وارد نشود؛ از این‌رو در بعضی از داستان‌ها با اینکه روابط منطقی در سیر وقایع و حوادث دیده نمی‌شود، در اسکلت اصلی روایت تغییری ایجاد نکرده‌ام. با این حال تا آنجا که به ساختمان اصلی داستان خخلی وارد نمی‌شده است، روایت را برای دریافت خواننده سهل و ساده نموده‌ام.

در نام‌گذاری این اثر تأمل فراوانی صورت گرفت. ابتدا نام «تاریخ و فرهنگ طارم» را مناسب نمی‌دیدم؛ چراکه چنین نام گسترده‌ای می‌طلبد که ابعاد مختلف تاریخ و فرهنگ منطقه بررسی و تحلیل گردد، اما با توجه به اینکه این نوشتار را آغاز راه می‌دانم، بر آن شدم که همان نام کار آغاز گردد تا در جلد دوم مقالاتی دیگر و همچنین انواع دیگر دانش و ادبیات عامیانه مردم طارم - باورها، آیین‌ها، اسطوره‌ها، اشعار، ترانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و بازی‌ها - جمع‌آوری و تألیف گردد. این امر همکاری و همراهی همه مردم طارم را می‌طلبد. همچنین از همه فرهیختگان و اهالی علم و ادب تقاضا دارم با دیدی مشفقانه در این اثر بخوانند و مرا از خطاها و کاستی‌هایم آگاه سازند؛ چراکه هیچ‌گاه خودم را بی‌نیاز از راهنمایی نمی‌بینم.

در پایان، بر خود فرض می‌دانم از آن وجود الیرال که شوق پژوهش را در جان ما نهاد شکرگزاری کنم و از تمام کسانی که در طول راه او مرا یاری دادند، قدردانی کنم. این وظیفه را با زبانی ساده ولی برآمده از دل، بخوان و درمان باستانی به انجام می‌رسانم؛ چراکه انسان‌های باستانی با تعارف، بیگانه بودند و این شیره با گذر زمان، وقتی انسان‌ها از همدیگر دور شدند، اختراع شد تا زبان، جبرانی برای دوری دل‌ها شود.

از پدر بزرگ عزیزم حاج علی آقا فغانی، پدر گران‌قدرم آقای ابراهیم بهرامی و مادر عزیزم خانم زری فغانی که با وجود پرمهرشان، با روایت برخی از قصه‌های این مجموعه مانند همیشه دستم را به مهر گرفتند و از برادرم آقای علی بهرامی به خاطر حمایت مادی و معنوی در انتشار این اثر سپاسگزارم. همچنین از حاج اورج



عبدی پور و خانواده محترمشان نیز کمال تشکر را دارم. از استادان گرانقدرم جناب آقای دکتر عقدایی و سرکار خانم دکتر تلخایی که در این مسیر راهنمایان من بودند و از همه نویسندگانی که از آثارشان بهره برده‌ام، خصوصاً جناب آقای رامین سلطانی و جناب آقای حسن حسینعلی کمال تشکر و امتنان را دارم. از جناب آقای عنایت رحمانی که منابع زیادی را در اختیارم گذاشتند و جناب آقای هادی عباسی که در ویراستاری این اثر بی‌مضایقه یاری گرم بودند و دوست فرهیخته‌ام آقای نبی محمدی که در ترجمه اشعار و متون عربی و همچنین در نگارش اشعار ترکی همراهم بودند و از دیگر راویان بزرگواری که بی‌هیچ چشمداشتی روایتگر فرهنگ و ادب طارم شدند، بی‌نهایت سپاسگزارم. درنهایت از جناب آقای احسان عظیمی مدیر محترم انتشارات ایده‌پردازان باب، آماده‌سازی و چاپ این اثر سپاسگزارم. اگرچه سخن به درازا می‌انجامد، بر سود فرض می‌دانم که از دیگر عزیزانی که به هر نحوی در به ثمر رسیدن این پژوهش سهیم شده‌اند، یاد کنم:

جناب آقای مسلم جانمند جناب آقای سید نورالدین شفیعی جناب آقای امید عباسی جناب آقای یونس قاسمی جناب آقای بهروز یرزایی جناب آقای حسینعلی ولیمحمدی جناب آقای رضا واحدی جناب آقای علی روح سید جناب آقای سید خلیل موسوی جناب آقای حسین کشاورز جناب آقای ارشاد اسدی جناب آقای حسین ابراهیمی جناب آقای مهدی اسدی جناب آقای محسن میرزایی جناب آقای ابراهیم شاه‌کرمی جناب آقای مسیح‌اله رضایی جناب آقای علیرضا عزیزی جناب آقای فرخ بهرامی جناب آقای مسعود رضایی کمال جناب آقای سیدتقی محمدی جناب آقای سلیمان محمدی جناب آقای محمدباقر محمدی.

همچنین یاد مرحوم علیرضا ولیمحمدی و مرحوم سید صادق موسوی را گرامی می‌دارم. امیدوارم این پایان، آغازی باشد برای کارهای بزرگ‌تر و آبادانی این خاک عزیز که چنان نگینی سبز بر انگشتی ایران می‌درخشد.

اصغر بهرامی هزارودی

اسفندماه ۱۳۹۷